آذرین

تاریخ ۲شنبه ۵مرداد ۱۳۳۲ سال پنجم شماره ۳۴۴ تکشماره ۲ ریال

همه از دست هیأت حاکمه مینالند

اصطلاحی که مفهوم خودرا گم کرده همه هیأت حاکمه نالایق را جستجو میکنند تا بسزای اعمالش برسانند

شاید برای شما هم اتفاق افتاده باشد، برای من که بارها اتفاق افتاده که در اثر کار زیاد ویا افکار در هم ...لا قلم خود نویسم را گم کرده‌ام ودقایقی ...چند درجستجوی او بودم و بعدیا خودم ...متوجه شدم ویادیگران متوجه‌ام کرده‌اند ...که جناب قلم درمیان انگشتان بنده تشریف ...دارند ومن بیخود زیر میز یاجیب بغل و ...میان کاغذها را جستجو میکنم.

...حالا کشورما هم بچنین دردی مبتلا است ...مثلا فلان روزنامه نویس مینویسد «هیأت ...حاکمه مزدور اجانب سالها کشور ما را ...نبول ...» یا «هیأت حاکمه چنان وچنین ...کردند ولی امروز ...» آنقدر ازاین مار ...هفت سر که هیأت حاکمه نامدارد میگویند ...که یك فرد معمولی عصبانی میشود ومیخواهد ...این هیأت حاکمه را پیدا کند و مثل سك ...بکشد.

همه چیزرا تقصیر آن میدانند حق هم ...دارند بخونش تشنه هستند، حق با آنها ...است بالاخره این هیأت حاکمه است که موجب ...تمام بدبختی‌ها ورنج‌های این ملت ستمدیده ...است، این هیأت حاکمه است که کشور را ...مستعمره این وآن کرده، حرفی نیست باید ...آنرا پیدا کرد و نابود ساخت.

ولی عیب در اینجا است که هیأت ...حاکمه در میان انگشتان ماست، بدتراز ...مخلص که قلم درمیان انگشتانم است ودر ...جستجوی آن هستم؛ کسی است که با قلم ...مشغول نوشتن باشد ودرضمن آنرا جستجو ...نیز بکند. هیأت حاکمه وجود دارد ما با ...آن کار میکنیم ودرضمن در جستجوی آن ...نیز هستیم که خفه‌اش سازیم، ازبین ببریمش ...زهی گیجی، زهی اشتباه.

هیأت حاکمه چیست، آیا این جانور ...منحوس درغاری درمیان کوههای البرز و ...قله پربرف دماوند پنهان است؟ نه. آیا ...هیأت حاکمه عبارت است ازچندوزیر که ...اگرآنها بروندودیگری بیاید کار درست ...میشود؟ نه.

در همین مدت کم، یعنی ازسال ۲۰ ...تابحال وزرای رنگارنك، نخست وزیران ...جورا جور آمدندورفتند آیا میتوانیم ...بگوئیم هیأت حاکمه عوض شده؟ نه

ممکن است بگوئیم آنها خائن بودند ...ودرنتیجه چون همه از یك سرچشمه آب ...میخوردندوچون عمروزید فقط اسما باهم ...تفاوت داشتند پس هیأت حاکمه عوض نشده ...وتعویض آن صوری بوده نه حقیقی. درجواب ...میتوان گفت دولت امروزی که اینطور ...مر آیا هیأت حاکمه عوض نشده؟ ...پس آری وعده‌ای میگویند نه،

بعقیده ما آنها که میگویند نه، زیرا هیأت حاکمه چیزدیگری است و هیأت وزراء چیزدیگری.

هیأت حاکمه عبارت است از تمام افرادی که در اداره کردن مملکت با هم کار میکنندوبنحوی از انحاء بایکدیگر ارتباط دارند، یعنی ازنخست وزیر گرفته تامستخدم در اطاق فلان اداره باضافه تمام بستگان واقوام و دوستان که مستقیماً در دستگاه دولتی کاری ندارند ولی بوسیله بستگان خود اعمال نفوذ میکنندوچرخ هارا بنفع خود می‌چرخانند، یعنی فلان ملاك، فلان تاجرو ...

این دسته یعنی هیأت حاکمه دوقسمت میشود.

دسته اول آنهائی هستند که نقش موثری دردستگاه دارند واز آن استفاده میکنند اینها به نسبت سن و سابقه خدمت از پست وزارت گرفته تاریاست فلان اداره کوچك وصولی را اشغال کرده‌اندو تغییر دولتها تنها تاثیری که در آنها دارد اینست که وزیر میشود استاندار، استاندار می‌شودوزیر ویاوکیل ویا پست‌های دیگر ورئیس این اداره میرود باداره دیگر، همین

دسته دوم که به نسبت ازدسته اول مقدارشان زیادتر است عبارتنداز کارمندان معمولی ادارات که بخور نمیری میخورند و جانی میکنند ودرزیر چنگال دسته اول دست و پا میزنند. اینها نقش موثری ندارند واغلب نیز فاسد نشده‌اند.

دسته اول که با هزاران رشته‌های مرئی و نامرئی بتمام صاحبان زروزور پیوسته‌اند، یعنی بافلان وزیر فلان مدیر کل، و کیل، تاجر، ملاك، کاری ندارد جز اینکه تمایلات وابستگان خود را رضا کنند وپولی ازمردم بگیرند لقمه‌ای بزیر دستان بدهند ومابقی راخودشان نوش جان کنند، چرا بزیر دستان لقمه‌ای بدهند، برای اینکه بکمك آنها مردم را بدوشند، از اعتراض مردم جلوگیری کنند.

اگردرست دقت کنیم، تمام معینین تمام اعضای درجه یك ودو وزارتخانه ها، همه ملاکین وتجار در کادر هیأت حاکمه قرار دارند واینست آن هیأت حاکمه ایکه ماازدست آن مینالیم، خوشمزه اینست که خوداینها نیز ازدست خود مینالند، درست مثل دزدی که خود اوهم فریاد میزند آی دزد، آی بگیرید.

این هیأت حاکمه قدرتش ازتمام دیکتاتورها، ازتمام نخست وزیران بالاتر است، زیرا خود اوست که دیکتاتور میتراشد، نخست وزیر درست میکند. پس با تعویض نخست وزیر هیأت حاکمه عوض نمیشود. واکنون نیزهیأت حاکمه همان است بود.

دراینجا سوالی مطرح است، آیا مصدق را نیز همین هیأت حاکمه روی کار آورد، یانه، بدون تعارف نه، ولی اوباهمان هیأت حاکمه قبلی دارد کار میکند واین مسئله سئوال بزرگتری پیش پای ما میگذارد

آیا هیأت حاکمه بامصدق موافق است؟ یاموافق نیست؟ اگر موافق است پس مصدق از قماش هیأت حاکمه است وفرقی بانخست وزیران قبلی ندارد

اگرنه موافق نیست، چرا کار شکنی نمیکنند، بعضی هامیگویند قدرت ندارندواگرنه میکندومنتظراست که از کارشکنی های کوچك نتیجه بگیرد یعنی دولت را ضعیف کند وآنگاه ضربه اصلی راوارد آورد.

این حقیقتی است که هر کوری آنرا می بینید مگر آنهائیکه معنی و مفهوم هیأت حاکمه رانمیدانندو خیال میکنند باتعویض چند وزیر هیأت حاکمه عوض میشود.

نتیجه این عدم دقت چیزی جزسقوط دولتهائی که میخواهنداصلاحاتی بکنند نیست، زیرا در برابر اصلاحات این سئوال مطرح است که اصلاحات چیست؟ آیا اصلاحات عبارت است ازبردن عمر و آوردن زید یا مفهوم

بقیه در صفحه۲

در اطراف حزب جدید

پس از میتینگ مالروز ۳۰ تیرمردم ازسخنرانی آقای دکتر شایگان استنباط کردند که طرفداران دولت یعنی وکلای نهضت ملی درفکر تشکیل یك حزب جدید هستند. رفته رفته این شایعه قوت یافت تاکه دراین دوروزه بحقیقت پیوست و معلوم شدکه چنین فکری وجود دارد وعده‌ای نیز مامور مطالعه دراطراف آن شده اند.

این مسئله مارا واداشت که شمه‌ای دراطراف احزابی که تا کنون یعنی پس ازواقعه شهریور ۲۰ در ایران بوجود آمده‌اندوحزبی که درپی تأسیس آن هستند صحبت کنیم.

پس ازشهریور ۲۰ دوچیز درمملکت مامثل علف درروزهای بهار روئید، یکی روزنامه ویکی حزب، احزابی که تشکیل شدند ازحد گذشت شنیدم که درچین قدیم تعداد احزاب از دوهزار گذشته بود و این موجب تعجب شنونده میشد. امادر ایران بنسبت جمعیت تعداداحزاب ودستجات سیاسی ازچین نیز فزونی گرفت، این احزاب دونوع بودند ویاهستند، احزابی که عبارت بودندازجناب لیدر ویکی دو نفر اطرافیان اوویك اطاق ویك تابلو وچند صندلی شکسته ویك روزنامه ارگان که سالی یکبارمنتشر میگردید و احزابی که توانسته بودند ویاتوانسته‌اند عده‌ای را بخود جلب کنند، حزب‌های دسته اول مورد بحث ما نیست، حالاهم اگردرخیابان های تهران دقت کنیدتابلوی این احزاب راخواهید دید. مقصود ما احزاب دسته دوم هستند یعنی آنهائی که کم وبیش توانستند اشخاص‌را بخود جلب کنند

این احزاب‌را ما احزاب باد کنکی نام نهاده ایم.

که چند صباحی بسرعت رشد کردندو ناگهان ترکیدندوجز نامی ازآنها باقی نماندا ما دراین میان احزاب سوم نیز هستند، یعنی مثل حزب توده که هنور رشد میکند، یاحزب ایران که بصورت روزهای نخست باقی مانده نه رشد کرده و نه ازبین رفته واکنون در حکومت نفوذهم دارد.

باید این دوحزب را استثناء کرد، حزب توده روزبروز قوی میشودو حزب ایران با استفاده ازنفوذی که در هیأت حاکمه دارد توانسته خودرا نگهدارد این دوحزب‌را نه‌میتوان باهم مقایسه کردو نه میتوان آنهارا حزب باد کنکی نامید.

اما احزاب باد کنکی، مثل حزب دموکرات قوام، حزب حلقه سید ضیاء در درجه اول واحزاب، بیکار، میهن واستقلال که کارشان به ائتلاف هم کشید در درجه دوم.

ناگهان ازبین رفتند چرا اینطور شد؟ زیراحزب‌را نمی توان ازبالا درست کرد بلکه حزب باید ازپائین ازمیان مردم درست شود.

مفهوم این جمله‌این نیست که اگر عده‌ای دورهم جمع شوند نمی توانندحزب

بقیه درصفحه۲

دوشیزه ر. درخشانی

برنامه بهداشت رادیوئی

آقای دکتر پریور

جناب آقای دکتر پریور راجع بعدم بهداشت کودکان ومرك ومیر زیاده از حد آنان سخنرانی میفرمایند. می گویند «بواسطه نبودن پرستار کافی بواسطه نداشتن بهداشت وآشنا نبودن مادران بطرز تغذیه اطفال کودکان یا درهمان اوان کودکی می‌میرند ویابارنك وروی زرد چشمان گود گوشهای آویزان بزرك شده در سن هفت هشت سالگی می‌میرند وداغ‌دل مادررا بیشتر میکنند

میفرمایند خوشبختانه آمار صحیحی دردست نداریم که مرك ومیر اطفال را بخوبی نشان دهد»

بله. واقعا اینهم یکی ازآن صدها خوشبختی است که گریبان مارا گرفته و گرنه باآمار وحشتناك وسرسام آورمرك اطفال نگاه میکردیم وآنوقت در پی چاره اش میرفتیم. میخواستم ببینم علت مرك آنها چیست.

جناب آقای دکتر پریور باهفته یك یادوجلسه سخنرانی شما وامثال شما در رادیو که آنهم فقط برای اعیان واشراف است یعنی «فقط آنها می توانند استفاده کنند» کاردرست نمی‌شود باید علت اصلی‌را یافت و درپی چاره آن کوشید

می فرمائید «دیده شده که هنوز مادرآن نسخه اطبارا گوشه‌ای انداخته و برای معالجه اطفال مریضشان بدستور پیر زنها عمل مینمایند»

من ازشما سئوال میکنم «چرا نکنند کی بآنها گفته وقتی بچه مریض شدبدکتر ببرید وطبق دستور دکتر عمل کنید کدام انجمن عمومی بهداشتی برای استفاده عموم مادران بیسواد تشکیل شده، چه کسی برای آنها تهیه دیده؟

آیا توسط بلند گوهائی که دولت در نقاط مختلفه شهر ودهات شهرستانها نصب کرده است از سخنرانی شما استفاده می کنند.

آیا کلاس تعلیمات اجباری دائراست که مادران‌را باسواد کند وآنها کمی به طرز پرورش طفل پی ببرند؟ ازآنها گذشته باکدام بودجه بدکترهای باانصاف ما مراجعه کنند و ازکدام داروی ارزان دولتی استفاده نمایند؟

بقیه در صفحه۲

بقلم آقای ابوالقاسم انوری‌پور قاضی دادگستری ۱۵

متمم قانون اساسی

حقوق اعضای مجلسین

اصل سی‌ام ـ وکلای مجلس شورای ملی ومجلس سنا ازطرف تمام ملت وکالت دارند نه‌فقط از طرف طبقات مردم یا ایالات وولایات وبلوکاتی که آنها را انتخاب نموده‌اند

برای اینکه بعضی ازنمایندگان یا جمعی ازانتخاب کنندگان تصور نکنند که نماینده منحصر بهمان طبقه ازمردم ایالات وولایت بخصوص هستندکه بورای ساکنین آنجا انتخاب شده‌اندوباین خیال فعالیت نمایندگی خودرا منحصر باموره ربوط بآن نقطه نمایندو باانتخاب کنندگان مردم دیگر نقاط معترض درمراجعه به نماینده محل خود کردند وبعلاوه بمنظور تقویت حس همکاری وتشریك مساعی نمایندگان برای اصلاح امور کشوروتامین موجبات ورفاه آسایش عموم افراد ملت در اصل سی‌ام تصریح شده‌است که نماینده هر شهرستان یابخش نماینده ازطرف تمام ملت ایران است مثلا نماینده انتخابی از ارسباران با نماینده انتخابی از تبریز و تهران ومشهدو اصفهان و شیراز بندر عباس از حیث اعتبار ووظیفه نمایندگی هیچ تفاوتی نداشته وفعالیت وثمره خدمت هر یك ازآنها موثر در تمام کشوروعایدهمه افرادملت می باشد.

اصل سی‌ویکم ـ یکنفر نمیتواند در زمان‌واحد عضویت هردو مجلس رادارا باشد. تاثیر رای مجلس سنادر باره تصمیمات متخذه درمجلس شورای ملی و وبالعکس ایجاب میکندکه نمایندگان مجلسین مذکور نیز از افراد مختلف انتخاب شوندویکنفر نتواند درزمان‌واحد درهر دو مجلس نمایندگی داشته باشد

زیرا در غیر اینصورت رای مثبت یا منفی کسیکه درهر دو مجلس عضویت دارد مشکلاتی ایجاد خواهد کرد که تعارض فکری ونظری مجلسین ازآنجمله خواهد بود علاوه آنکه اگر این‌امر منع نمیشد چه بسا پیش می آید که اکثریت اعضاء یك مجلس درمجلس دیگر عضو باشند و در این‌صورت رای هرمجلس بمنزله‌رای هردو مجلس بوده‌ودرحقیقت وجود یکی زائد بنظررا میرسیدبرای جلوگیری ازپیدایش یك‌چنین مشکلی دراصل سی‌ویکم عضویت یکنفر رادرزمان‌واحددرهردومجلس ممنوع شده است.

«با عرض معذرت ازخوانندگان ونویسنده محترم»

«کلمه «میشد» درآخر مقاله ماجرای دوره پنجم، غلط و «نشده بودند» صحیح است

بقلم آقای علي اکبر تشیدمورخ معاصر فصل سوم

ماجرای دوره پنجم

۳۵

اینك دورنمای مختصری ازاوضاع کشور

چون این رسم ممکن بود هر آن تولید اختلافی درممالك تحت‌الحمایه آن درست کردند یعنی مصطفی کمال پاشاکه خود آزدان مخصوص عبدالمجیدولیعهد عثمانی بود بقیام برعلیه دربارخلافت واداشته وبا اسلحه و پول بحدی او را تقویت کردندکه بر تمام بلاد ترکیه مسلط شده‌و خلیفه‌وقت‌را معزول‌وولیعهد را بخلافت گماشت ـ بدوا تمام‌مردم‌تصور میکردندکه‌مصطفی کمال‌بواسطه سابقه خدمت باولیعهد میل‌داردکه باو خدمتی کندولی‌پس از یکسال‌ونیم مجلس‌شوری ملی ترکیه یکروز بدون‌سابقه الغاء خلافت را اعلام‌کردند و در این موقع شریف حسین امیرحجاز استفاده‌کرده‌و خود را خلیفه نامید ومتفقین هم درابتدای‌جنك‌باو وعده هائی‌داده بودندواگر شریف‌حسین موفق می‌شد برای دول استعمار طلب خطرات زیاد ترمی‌شد ـ زیرا خلافت خاندان عثمانی کاملابی اساس‌بودوصرفا منشااش این‌بود که سلطان‌سلیم در موقع قدرت‌بمصر تاخته‌وآن کشور را قهر را گرفته بودو کسی‌راکه‌بنام خلیفه صوری ازبقایای خاندان بنی‌عباس که در موقع غلبه معول‌وفتح بغداد بمصر گریخته‌بودند واتراك «ممالیك» آن‌بلاد نام‌خلیفه‌روی‌آنها گذارده ولی هیچ‌گونه قدرت‌نفوذسیاسی نداشتندآسیرا باسلامبول‌آوردو مادام العمل درتحت‌نظر نگاه‌داشت تاوفات‌کرد وسپس سلطان سلیم‌عثمانی‌انتشارداد که خلیفه عباس مرا جانشین‌قرارداده و از آن تاریخ به‌بعد خودرا خلیفه‌نامیدو از طرفی عقیده بعضی فرق اسلامی صرف اولوالامررا که بهروسیله تحصیل قدرت باعث‌شد که‌نام خلیفه چندی بدون مسمی واقعی درآن خاندان بماندوالا مختصر اثری‌درخلفاء اسمی‌عثمانی ازآثار خلفاء راشدین‌مشهودنبود ـ چنانکه‌خلفاءعباسی و اموی‌هم‌جزعمر بن عبدالعزیزاموی‌ومنتصر ومهدی‌عباسی سلف‌عثمانی‌هاهمان حال‌را داشتند حال اگرشریف‌حسین‌مسندخلافت را اشغال مینمود خلافتش بواسطه‌هاشمی واولاد پیغمبر بودن بافتوای دو مجتهد بزرك فرق عامه‌ابوحنیفه ومالك‌تطبیق‌می شدودول استعمار طلب نتیجه از نابغه درست کردن خود نگرفته بودند ـ که برای خنثی کردن طریقه‌سادات شرفا مکه که بعدازخاندان سلاطین‌ژاپون از حیث سوابق صرف نظر ازشرافت قدیم‌ترین خاندانی بودند که‌دردنیا شناخته‌می شدند انجمن هائی درمصر و هندوستان بوجودآمد که خلافت‌را باشور مسلمانان تامین کنندوتا زمانی که‌شریف‌حسین‌حیات داشت‌این‌انجمن‌هامشغول‌فعالیت‌بودندولی چون ممکن بودنامبرده‌برانجمن‌های کذائی غلبه کندوخوف اینکه‌مبادا توفیق حاصل حاصل نماید دولت‌انگلیس‌ابن‌السعودامیر نجدرا بااسلحه‌وپول تقویت کردتاکشور حجاز راتسخیروشریف را اخراج‌نمود ـ بارشوه‌پسران اورا که‌ملك‌فیصل‌و ملك حسین‌بودندساکت کردندیعنی یکی‌را در عراق ودیگری‌رادرماوراء اردن سلطنت دادند تادیگربخیال امارت‌حجازودرواقع خلافت نباشند فاعتبروا یااولوالابصار

انتصاب

آقای سید عبدالعزیز قائم مقامی که ازکارمندان باسابقه وبااطلاع اداره ثبت می باشند برياست ثبت شمیران منصوب‌وآقای سیدیحی فاطمی نژاد ببازرسی ثبت کل منتقل شدند

بازهم خونریزی وکشتار

درصفحه۲

غارت اداره

روزنامه مشت آهنین

همکار زندانی ماآقای فقیه مریدی مدیرروزنامه مشت آهنین مینویسد که برای دومین‌بار اشرار اداره روزنامه ایشان را غارت کرده‌اند

آذرین ـ ماازشهربانی کل میخواهیم که موضوع را رسیدگی و مرتکبین را تعقیب نمایند.

برنامه بهداشت

بقیه ازصفحه ۱

آیا یك پزشك سیار رایگان مجهز به دارو ازطرف دولت برای معاینه ومعالجه اطفال بی بضاعت استخدام شده است حتما میفرمائید ازبیمارستانهای دولتی استفاده نمایند. ولی خودشما بهتر ازما ازوضع بیمارستان های دولتی اطلاع دارید . بهترمیدانید اطبائی که(البته بجزعده معدودی) در راس کارها قرار گرفته اند چگونه از مریض پذیرائی میکنند . چگونه داروی رایگان دراختیار مرضا میگذارند وضع بهداشت ونظافت وپرستار وپزشکیار چگونه است خودشما بهمه اینها بهتر ازهر کس واقفید وبازبهتر میدانید که این بیمارستانهاهم برای استفاده طبقـات اول و دوم است برای اینکه دیده شده که ازطبقات دیگر چگونه پذیرائی میشود .

منظور من ازهمه اینها که گفته شد طبقه اول و دوم نیست که هر کدام و هر فردی ازافراد خـانواده آنها از لطف بزرگتر ها چند شغل وچند منصب دارند نیست . منظور من ملت واقعی است آنهائی است که در گوشه های شهر بیدترین وضع ممکنه زندگی می کنند خانواده هائی است که بقول شما هر کدام دارای هـفت هشت بچه هستند .خانواده هائی است که ازلطف دولتهای وقت پدر مانند مرده متحرك دریك گوشه نشسته وبرای فراموشی برای رهائی از یاس بـادستهای لرزان حلقه وافور را بلبهای سیاه، وبیحس و صورت اسکلت مانندش نزدیك میکندو بادوحفره تاریك وسیاه دودهارا نگاه می کند ومادر بالباسی که نیمی ازبدن اورا پوشانیده باپاهای ترك خورده مشغول جمع کردن خرده هیزم است که سماور حلبی را برای شوهرش آتش کند واطفال هم درمیان خاکها مشغول بازی هستندو از زباله ها پوست سیب وخیار جمع میکنند و بـواسطه آن باهم کتك کـاری می کنند ؟

بلی آقای دکتر اینها را چرا نمی بینید ـ برای اینها چرا برنامه‌ای ترتیب نمیدهید ـ چرا برای چه نمیگوئید بچه هاشان راچگونه بزرك کنند ؟

اما ببخشید ،اختیار ازکفم خارج شد مقصر شما نیستید.شما طبق وظیفه برنامه‌ای درست کرده واجرامیکنید وبرای اشخاص بخصوص هم بسیار قابل استفاده است. مقصردولت است که خیال می کند ایـران فقط تهران است وتهران هم منحصر است آن همه چیز را از نظر آنان بخیابانهای بالای شهر و ساکنین میبیند .از دوره دبستان ـ دبیرستان دانشگاه استفاده ازبرنامه های بهداشتی استفاده ازبرنامه های رادیو ـ بیمارستان ها ـ گردشهای عمومی ـ کارهمه وهمه چیز برای آنها است .بلی مقصر دولت است مقصر نمایندگان ملت هستند که انبوه این قیافه های ناراضی واکثریت ملت را نمی بینند یانمی خواهند به بینند وبعاقبت این یاس و نارضایتی هم نمی اندیشند و ترسی ندارند. مگر خدا رحم کند .

متهم قانون اساسی

بقیه ازصفحه ۱

اصل سی ودوم ـ چنانچه یکـی از وکلا درادارات دولتی مـوظفا مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل میشود ومجددا عضویت اودر مجلس موقوف به استعفای ازشغل دولتی وانتخاب ازطرف

تفکیك قوای سه گـانه متذکر شدم که بعقیده طرفداران این عقیده یکی ازفوائد تفکیك قوا آنست که وزراء که مامورین قوه مجریه هستند نمیتوانند باحفظ شغل دولتی در مجـالس مقننه عضویت داشته باشند نتیجه این منع عدم مداخله قوه مجریه درقوه مقننه وبعکس است چه اگر این منع نبود نماینده‌ای که بسمت نمایندگی بوزارت یاکـار دولتی منصوب میشد و یاکارمند دولتی که درعین داشتن سمت استخدام دولتی به نمایندگی مجلس انتخاب میگردید در آن واحد دردوقوه مجریه و قضائیه مداخله مستقیم وتاثیر شغلی خواهد داشت که این امـر مخالف استقلال و هریك از سه گانه وعوامل مشروطیت و تفکیك آنها ازهم خواهدبود

بنابراین برای جلوگیری ازپیدایش چنین تعارضی دراصل سی ودوم متمم قانون اساسی تصریح شده است که چنانچه یکی ازوکلا درادارات دولتی موظفا مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل میشودو مجددا عضویت اودرمجلس موقوف بـه استعفای ازشغل دولتی وانتخاب ازطرف ملت خواهد بود ونیز درتکمیل این امر درقانون محدودیت وزراء معاونین و روسای دوایر دولتی درموقع انتخابات ونمایندگان مجلس دردوره تقنینیه مصوب تیرماه ۱۳۰۲ شمسی ضمن دوماده مقرر شده است که اولا کلیه روسای دوایـر دولتی انتخاب شدن بمجلس شورای ملی در حوزه ماموریت خود محروم خواهند بود وهمچنین وزراء ومعـاونین مـوقع انتخابات ازتمام مملکت وثانیا تاانقضاء هردوره تقنینیه نمایندگان مجلس شورای ملی نمی توانندهیچیك ازخدمات دولتی را موظفا قبول نمایند مگراینکه سه ماه قبل ازقبول خدمت ازنمایندگی استعفا نموده باشند وباین کیفیت اصل تفکیك قوای مجریه ومقننه درقانون اساسی مامرعی و مقرر شده است .

در اطراف حزب جدید

بقیه ازصفحه ۱

درست کنند بلکه باید مردم عادی خود بخود حزب ایجاد کنند . بلکه مفهوم آن اینست که اگر عده‌ای که صـاحب زروزور هستندو درحکومت نفوذدارند بخواهند حزبی درست کنند ،مسلما عناصر و افراد استفاده جو برای رسیدن بجاه ومال گرد آنان جمـع خواهند شدو چون دیدند زعمای حزب ازکار دورشدند ودیگر آلاف الوفی نیست آنها نیز پراکنـده مـی کـردنـد و

واگرصاحب قدرت جدید بخواهـد حزب نوی تاسیس کند اینها از اعـضای وفادارحزب تازه خواهندشد. تاسیس حزب ازبالا یعنی این ومادیدیم که قوام السلطنه وحزب دموکراتش چه شد وسید ضیاءالدین وحزب اراده ملی او کجارفتند.

هیچگونه تأمین نیست که ازاینگونه عناصر موقع شناس واستفاده جود بحزب جدید روی نیاورند ووجود آنها ، یعنی عناصر نااستوار که غالبا در اینگونـه احزاب اکثریت را خواهند داشت عامل بزرك برای پاشیده شدن آن خواهدبود

حزبی که ازپائین تاسیس میشودچیز دیگری است ،این حزب بنیان کار خود را روی خواسته‌های آن طبقه از مردم مینهد که درکشور دارای اکثریت هستند چون تزهای این گونه احزاب بـامنافع مردم تضادی ندارد وبلکه منعکس کنند خواسته های آنان است اینست که چنین حزبی نیرو میگیرد ، نه اینکـه میتواند تعداد زیادی از طبقه خود را دربر بگیرد بلکه قادر است قشر های گوناگون را بخود جلب کند، البته آن قشرهائی را که منافعشان با منافع طبقه ایکه حزب بدان بستگی دارد تضاد اساسی ندارد در بر بگیرد .

بازهم خونریزی و کشتار

بموجب اخباری که در روزنامه‌ها منتشر گردیده درجنوب زدوخورد و کشتاری روی داده . روزنامه های مخالف وموافق ، روزنامه هائی که فقط از دریچه منافع خود وقایع را نگاه می کنند هریك نوعی جریان را تشریح کرده‌اند ولی آنچه که مسلم است ، آنچه که هیچ قدرتی قادر نیست آنرا تحریف کند اینست که ده نفر کشته شده‌اند و عده زیادی مجروح گشته‌اند چرا ؟ معلوم نیست .

میگویند کارگران میخواستند در سندیکای خود جمع شوند و حکومت نظامی مانع شده ودرنتیجه زد وخوردی روی داده و چند نفر ازهم میهنان مـا مقتول شده اند .

سابقا اگر چنین وقایعی روی میداد می گفتند چون عناصر ماجراجو می‌خواستند" فلان وبهمدان کنند وقصد داشتند اخلال نمایند بناچار نیروی انتظامی دخالت کرد و . . . .

اما این بار دیگر چنین بهانه هائی را هم لازم ندیدند وعلنا گفتند مـا بسندیکای کارگران حمله کردیم و زدیم وکشتیم .

بنازم رستم صولتان عصر اتم را ، مثل اینکه مورچه کشته اند' واقعا درمملکت ما انسان از همه چیز بی ارزش تر است .

سندیکاهای کارگری در تمام جهان وجود دارد ، حتی درکشور آمریکا که قبله آمال عده زیادی از زعمای قوم است و کارگـران حق دارند که در اتحادیه های صنفی خود شرکت دارند جلسه تشکیل بدهند ، قانون دست پاشکسته ما نیز این حق را برای کـارگـران شناخته ، لذا هیچ قدرتی نمی تواند این حق را ازکارگران سلب نماید درهمین تهران اتحادیه های کارگری وجود دارند ومشغول فعالیت هستند ومعلوم نیست بچه دلیل حکومت نظامی مانع تشکیل اتحادیه درجنوب شده وچنین خونریزی برپاکرده .

اگردرشرایط حکومت نظامی تشکیل مجامع ممنوع است پس چرا احزاب ودستجات مختلفه در همین تهران تشکیل جلسه می دهند و حکومت نظامی هم جواز می‌دهد .

معلوم نیست این حکومت شتر گاوپلنك چه منظوری دارد .

آخر آقایان اینهاکه شما می کشید انسان نیستند ، آقای فرماندار نظامی مگر شما فرزند ندارید ،خانواده ندارید اگرخاری بپای شما برود تمام دستگاه دولتی برای تجلیل شما بحرکت در می‌آید وشما باکمال بی انصافی می کشید آن وقت اسم این را میگذارند انسانیت حفظ نظم .

آنقدر دراین مدت خونریزی شده، آنقدر مردم بـدبخت بدست یکمشت تهی مغز نابودشده اند که من آرزو می کنم حکومتی روی کار بیاید که انتقام این مظلومین را ازقاتلین آنها بگیرد ،حتی اگرروی کار آمدن چنین حکومتی موجب شود که خود منهم نابود کردم .

آری وجود نحس ونجس شما کثافت ازبین برداشته شود بدرك که منهم همراه شما ازبین بروم .

همه از دست هیأت حاکمه مینالند

بقیه ازصفحه ۱

وسیمتری دارد، نه اصلاحات مفهوم و سیمتری دارد وقتی میتوان ازاصلاح نام برد که خرابی در بین باشدو همه میدانیم که خرابی هست ولی بایددید آیااین خرابی برای همه است یاعده معدودی.این رانیز میدانیم که فقر و بدبختی یعنی خرابی وضع برای همه نیست،بلکه دسته اول هیأت حاکمه که خـود موجد خرابی هستند کوچکترین لطمه‌ای نمیبینند. پس می بینیم که هدف اصلاحات آن دسته از هیأت حاکمه هستند که ازخرابی وضع استفاده می کنند وگفتیم که این خرابـی بزیان آنهائی است که استفاده می برند خوب این اصلاحات راچه کسی باید اجرا کند ،آن دسته ازهیأت حاکمه که اصلاحات بزیان آنها است .

مثل اینکه دیگر کافـی است ،مثل این که معلوم شد کجـای مسئلـه لنك است .

. . .

اصلاحات را نمی توان روی کـاغذ اجراکرد. اصلاحات دارای شرایطی است وچون این شرایط دردولت موجود نیست نمیتوان امید آنرا داشت .

دولت اکنون باهمانهائی کارمیکند عامل اصلی تمام بدبختی های مردم هستند ومسلما اینها نمیتوانند دراجرای اصلاحات مفید باشند .

باانشاالله گربه است کـار درست نخواهد شد شما آقای دکتر ازروزنخست کمی راه راکج رفتید ،اولین اشتباه شما این بود که خیال کردید باوجود وضـع داخلی نامرتب که در بالا شـرح دادیم مبارزه خارجی امکان پذیراست غافل از اینکه سیاست داخلی وخارجی ازیکدیگر تفکیك ناپذیر است ومابارهـا این مسئله راگفته ایم.

شما آقای دکتر همیشه درسخنرانی های خود گفته اید هیأت حاکمه فاسد هیأت حاکمه عامل انگلستان شایدشماهم هیأت حاکمه را باهیأت وزراء اشتباه کرده‌اید ولی حقیقت اینست که تمام کسانی که بـا هزاران رشته باهمان نوکران امپریالیسم انگلستان پیوند دارند در سرکارند و تا اینهـا هستند آش همین است و کـاسه همین .

عیب دولتهائی نظیر دولت شماهمین است که با قشون دشمن بجنك دشمن می روند ودرصورتی که راه صحیح اینستکه درنخستین قدم تمام بساط گـذشته درهم ریخته شود وباأشخاصی جدیدو نیروهای تازه که بستگی بدشمن ندارند خصم را از پای درآورد .

اینگونه احـزاب یکباره از پائین درست نمیشود ، بلکه باز عده ای که کم وبیش ممکن است اصلا بطبقه ایکه حزب آنرا در بر میگیرد بستگی نداشته باشند گرد هم جمع میشوند وبادر نظر گرفتن خواست های مردم شالوده حزب جدید را میریزند ولی چون این شالوده براساس خواست های مردم نهاده شده حزب ازپائین بسرعت رشد می کندنیرومند میشود ، وازطرف توده های غیر حزبی حمایت میگردد .

اینست مختصری از طرز تاًسیس یك حزب وتجربه بمانشان داده که اگر راه تشکیل حزب جز این باشد آن حزب نمی تواندپایدار بماند، نه تنها تجربه در ایران بلکه تجربه جهانی ایـن مسئله را تأیید کرده .

ناتمام

پرونده ۷۴۱۳۰

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۲۴ر۴ر۱۳۳۲ بانو راضیه اورلی بشناسنامه ۱۸۰۶۹ صادره از مشهد بـاستناد یکبرك استعلامیه محلی ورونوشت شناسنامـه ویکبرك رونوشت خلاصه مرك مبنی برفوت متوفی دادخواست بشماره ۷۴۱ر۳۰ داده براینکه مرحوم عباس حاج محمد تقی شیرازی بشناسه ۱۳۵۱۳ درتاریخ ۲۵ر۱۲ر۲۹ درتهران محل اقامت دائمی خود فـوت نموده و(متقاضیه) عیال وآقای قاسم حاجی محمد تقی شیرازی پسرمتوفی ووارث منحصرش میباشند پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار درروزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ویکی از جراید کثیرالانتشار محل درج وآگهی میگردد وبـا گذشتن مدت سه ماه ازتاریخ نشراولین آگهی وعدم وصول اعتراض حسب تقاضا اقدام خواهد شد ونیز اگر کسی وصیت نامه ازمتوفی درنزد خود دارد درمدت مذکور ابراز والا هروصیت نـامه سوای سری ورسمی ابـراز و ارائـه شود ازدرجه اعتبار ساقط وبلااثر خواهد بود .

نوبت اول ۵ر۵ر۳۲ آ ـ ۱۹۴

دادرس شعبه اول دادگاه بخش تهران ـ محمدابریشمیان

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۲۶ر۲ر۱۳۳۲ ـ بانوعصمت محبوبی بشناسنامه ۲۷۲۳ باستنـاد یکبرك استشهاد ورونوشت شناسنامه ۱۸۹ر۳۱ دادخواست داده باینکه مرحوم حسن محبوبی دارای شناسنامه شماره ۱۶۳۵ درتاریخ بهمن ماه ۱۳۱۸ درتجریش محل اقامت دائمی خود وفات یافته وبانو عصمت محبوبی متقاضیه وبانواقدس وبانوحشمت دختران ومحمد پسر وبانوفاطمه عیال دائمی متوفی که نام فامیلی همه آنان محبوبی است و وارث منحصرش می باشند پس ازشنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی مـاهـی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه آذرین آگهی میشودو بـا گذشتن مدت سه ماه ازتاریخ نشراولین آگهی ونبودن معترض بـرحسب تقاضـا اقدام خواهـد شد و نیزاگـر کسی وصیـت نامه ازمتوفی دارد ظـرف مدت مزبور ابراز والا هروصیت نامه غیر ازرسمی و سری ابـراز شوداز درجـه اعتبار ساقط است .

نوبت سوم ۴ر۵ر۳۲ آ ـ ۱۱۴

دادرس شعبه اول بخش طهران محمدابریشمیان

پرونده شماره ۱۸۸ر۳۱ ت ـ ۴۶۶

آگهی ابلاغ دادخواست

بتاریخ ۱۵ر۴ر۱۳۳۲ ـ آقای حسین معدنچی بوکالت آقایان عباس وعلی و مرتضی اخوان بطرفیت آقایان دکترجلال بهی زادو فریدون بهی زادو بانوان ماهی نری و بانو بشارت خاوری دادخواستی بخـواسته افـراز وتقسیم پلاك شماره ۳۷۴۵ر۳ دادخواستی بشماره ۷۹۰۱ـ۱۳ر۱۲ر۳۱ بدادگاه بخش تقدیم بدین توضیح که بموجب رونوشت سند مالکیت پیوست هریك ازموکلین نسبت بسهم خود مالك میباشد نسبت به پلاك نامبرده واقع در بخش ۳ اراضی جمشید آباد تقاضای افراز باجلب نظر کارشناس را نموده وچون وکیل خواهان محل اقامت خوانده هارا غیرمعلوم معرفی نموده بنا بتقاضای مشارالیه طبق ماده ۱۰۰ ازقانون آئین دادرسی مدنی دادخواست وخلاصه امر بوسیله درج درمجله رسمی کشور شاهنشاهی ویکی از جرایـد مرکزی طبق مقررات سه نوبت پی دری آگهی مینماید که از تاریخ نشر آخرین آگهی درظرف سه ماه برای یوم شنبه پانزدهم آبـانماه سه ساعت ونیم قبل از ظهر جهة رسیدگی دردادگاه بخش شعبه اول حاضر ویاوکیل ثابت الوکاله خودرا معرفی والا بتقاضای خواهان مطابق مقررات رسیدگی واقدام مقتضی بعمل خـواهد آمدواگر بعدا ابلاغی بوسیله آگهی لازم شودفقط یکنوبت آگهی درروزنامه خواهد شدومدت آن ده روزاست .

مدیردفتر شعبه اول دادگاه بخش تهران ـ ابوالقاسم سرمد

۳ـ۳ آ ـ ۱۳۶

آگهی

بتاریخ ۲۱ر۳ر۱۳۳۲ ـ آقای غلامعلی معصومی دارنده شناسنامه شماره ۲۴۹ باستنادیکبرك استشهاد ورونوشت شناسنامه شماره ۲۰۸ر۳۲ دادخواست داده باینکه مرحوم نجف معصومی ارنگه دارنده شناسنامـه شماره ۱۶۴۴۴ در تاریخ ۱۳ر۱۲ر۳۱ درطهران محل اقامت دائمی خود وفات یافته وآقای غلامعلی متقاضی وغلامحسین وعلی ومحمد واحمد ومحمود پسران وبانوان سکینه وفاطمه وزهرا وخدیجه و ربابه وربابه ودوشیزه بتول دختران وبانو صغری عیال که نام فامیلی همه آنان معصومی است وبانو درةالصدق (سیدمحمدمرندی) نیز عیال دائمی متوفی ووارث منحصرش میباشند پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار درروزنامه رسمی کشورشاهنشاهی وروزنامه آذرین آگهی میشود وباگذشتن مدت سه ماه ازتاریخ نشر اولین آگهی ونبودن برحسب تقاضا اقدام خواهد شد ونیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد ظرف مدت مزبور ابراز والا هروصیت نامه غیرازرسمی وسری ابـراز شود ازدرجه اعتبار ساقط است .

دادرس شعبه اول دادگاه بخش تهران محمد ابریشمیان

نوبت اول ۸ر۴ر۳۲ آ ـ ۱۲۲

صاحب امتیاز :سیدمحمد بنی احمد وکیل پایه یك دادگستری
جای اداره خیابان خیام